

# رویکرد حمایتی حقوق کیفری ایران در قبال بزهدیدگان اسیدپاشی (با تأکید بر قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱)

حمید روستایی صدآبادی\* و هادی مرسی\*\*

|                   |                        |                       |                     |
|-------------------|------------------------|-----------------------|---------------------|
| نوع مقاله: پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲ | شماره صفحه: ۱۷۳-۱۴۷ |
|-------------------|------------------------|-----------------------|---------------------|

جرم اسیدپاشی در زمره جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص قرار می‌گیرد که به علت ماهیت بسیار خشن و نتایج زیان بار ناشی از آن موجب آسیب و صدمات جسمانی و روانی جبران ناپذیری بر فرد بزهدیده می‌شود. بنابراین لازم است علاوه بر قوانین و مقررات شکلی و ماهوی که به طور عام برای حمایت از تمامی بزهدیدگان وضع شده است، قوانین و مقررات ویژه‌ای نیز برای بزهدیدگان اسیدپاشی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال آنان وضع کرد. از این رو مقنن ایران در اقدامی شایسته تحت تأثیر آموزه‌های بزهدیده‌شناسی و آگاهی از شرایط خاص بزهدیدگان اسیدپاشی اقدام به تصویب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن» کرد. به رغم حمایت‌هایی از قبیل جبران خسارت‌های مادی و معنوی و پرداخت هزینه‌های درمان بزهدیده، ارائه خدمات روان‌شناختی، مددکاری و توانبخشی که در قانون یاد شده برای بزهدیدگان اسیدپاشی وضع شده؛ اما متأسفانه مقنن از موضوعاتی همچون عدم پیش‌بینی جبران خسارت بیکاری، لزوم برخورداری از وکیل تسخیری، نادیده‌انگاری نقش سازمان‌های مردم‌نهاد برای حمایت از بزهدیدگان اسیدپاشی، لزوم برخورداری از خدمات حقوقی به نحو الکترونیکی و لزوم صدور قرار بازداشت در راستای امنیت بزهدیده غافل بوده است. ضرورت نوشتار حاضر که به صورت «توصیفی - تحلیلی» است، نوپا بودن حمایت از بزهدیدگان اسیدپاشی است و هدف بنیادین آن تحلیل نوآوری‌ها و استخراج کاستی‌های حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی و در نهایت ارائه پیشنهادهایی جهت رفع کاستی‌هاست.

کلیدواژه‌ها: اسیدپاشی؛ بزهدیده؛ جبران خسارت؛ نظام عدالت کیفری

\* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه میبد (نویسنده مسئول)؛

Email: rostaei@meybod.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه میبد؛

Email: Stu.h.mersi@meybod.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصدونهم، بهار ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4438.4359

## مقدمه

اسیدپاشی یکی از شدیدترین جرائم خشونت‌آمیز بوده که در زمره جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص قرار دارد. قانونگذار ایران نخستین بار با تصویب «لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید» مورخ ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ به مقابله کیفری با بزه اسیدپاشی پرداخت. در ماده واحده قانون یاد شده فقط به مجازات بزهکار اسیدپاشی، شروع به ارتکاب آن و تخفیف مجازات اکتفا شده بود و سخنی از حقوق بزه‌دیدگان آن به میان نیامده بود. در توجیه این امر شاید بتوان گفت چون در آن زمان دیدگاه بر این بود که چون دولت و حاکمیت طرف متهم است، بنابراین ضرورتی برای پیش‌بینی حقوق مشابه برای بزه‌دیده وجود ندارد.

در اواسط سده بیستم در مطالعات جرم‌شناسی حضور بزه‌دیده پررنگ‌تر شد و شخصیت و تأثیر وی در تکوین جرم مورد توجه قرار گرفت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۱۱). رفته‌رفته بزه‌دیده نقش و جایگاه مهمی در پی‌ریزی، شکل‌گیری و جهت‌دهی فرایند کیفری پیدا کرد و جریانی با عنوان «بزه‌دیده‌شناسی» در جرم‌شناسی شکل گرفت. به عبارت دیگر در تعریف بزه‌دیده‌شناسی آمده است: بزه‌دیده‌شناسی به دنبال علل بزه‌دیدگی، نقش و سهم بزه‌دیده در تکوین رویداد جنایی از گذر روابط میان بزه‌دیده و بزه‌کار است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۸). شکل‌گیری جریان بزه‌دیده‌شناسی موجب شد، بخش بزرگی از مقررات دادرسی کیفری در جهت حمایت از بزه‌دیدگان اصلاح شوند؛ به‌گونه‌ای که حمایت بزه‌دیدگان به یکی از اهداف مهم آیین دادرسی کیفری مبدل شد. از این رو مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ موادی را برای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان اختصاص داد. با این حال با توجه به شرایط خاص و ویژه‌ای که بزه‌دیدگان اسیدپاشی از آن برخوردارند، مقنن حمایت‌های در نظر گرفته شده در آن قانون را برای بزه‌دیدگان اسیدپاشی کافی ندانست و با تصویب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن»<sup>۱</sup> مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱ بر حمایت‌های خود نسبت به بزه‌دیدگان اسیدپاشی افزود.

۱. از این به بعد به ذکر قانون تشدید مجازات اسیدپاشی اکتفا می‌شود.

این اقدام قانونگذار اگرچه در جای خود ارزشمند تلقی می‌شود، اما با کاستی‌ها و ایرادهای مهمی روبه‌رو است. در این نوشتار سعی شده است حمایت‌هایی که در قانون آیین دادرسی کیفری برای بزهدیدگان به‌طور عام و حمایت‌هایی که در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی برای بزهدیدگان اسیدپاشی به‌طور خاص پیش‌بینی شده است؛ در سه قست حمایت از حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی مرتبط با آثار ناشی از جرم اسیدپاشی، حمایت از حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی مرتبط با کرامت انسانی در فرایند کیفری و حمایت از حقوق بزهدیده اسیدپاشی مرتبط با کیفر و نحوه اجرای آن تشریح و ارزیابی شوند و ضمن استخراج کاستی‌ها، پیشنهادهایی برای رفع آنان ارائه تا تأمین حداکثری اهداف قانونگذار در این زمینه محقق شود.

#### ۱. حمایت از حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی مرتبط با آثار ناشی از جرم اسیدپاشی

اسیدپاشی آثار متعددی بر جنبه‌های زندگی بزهدیده وارد می‌کند که براساس شدت آن متفاوت است. مهمترین آثارهای زیان‌بار ناشی از آن عبارتند از: جسمی، اقتصادی، روانی و اجتماعی.

##### ۱-۱. حمایت در برابر آثار جسمی و اقتصادی

اسیدپاشی در زمره جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص تلقی می‌شود که اغلب علیه چهره افراد و به‌منظور بدشکل کردن آنها صورت می‌گیرد. برخی از این آسیب‌ها در طول زمان به خودی خود التیام می‌یابند اما برخی دیگر نیاز به مراقبت، درمان و حتی جراحی دارند.

شایع‌ترین آسیب‌هایی که از بزهدیده اسیدپاشی بر جسم قربانی وارد می‌شود شامل نابینایی، ناشنوایی، تغییر شکل صورت، گوش، بینی و افتادگی پوست صورت است (محمودی، ۱۳۹۲: ۳۳). گاهی این آسیب‌ها موجب عفونت شده و خطرات جدی‌تری را برای جسم قربانی موجب می‌شوند.

بهبود آثار جسمانی ناشی از بزهدیده اسیدپاشی مستلزم پرداخت هزینه‌هایی است که اغلب

بزه‌دیدگان از عهده پرداخت آن بر نمی‌آیند. با آنکه در وهله اول بزهکار موظف به پرداخت و جبران هزینه‌های ناشی از اقدام مجرمانه خویش است، چرا که او مسئول صدمات وارده و هزینه‌های تابع آن است؛ اما در برخی موارد گستردگی ابعاد این صدمات و خسارات موجب می‌شود امکان جبران آنها از توان بزهکار فراتر رفته و وی توانایی پرداخت خسارات را نداشته باشد. همچنین ممکن است در برخی موارد بزهکار ناشناس، متواری و یا غیرقابل دسترس باشد و نتوان برای جبران خسارت به او رجوع کرد. در چنین مواردی باید دولت با توجه به امکانات و منابع عظیمی که در اختیار دارد، تأمین امنیت شهروندان را بر عهده گیرد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۹۷). برای انجام این وظیفه لازم است دولت مجرای قانونی برای جبران خسارات وارد شده بر بزه‌دیده از قبیل هزینه‌های درمان و مراقبت، هزینه‌ای مربوط به رسیدگی جرم در محاکم و هزینه‌هایی که به دنبال ناتوانی‌های جسمی بر بزه‌دیده تحمیل می‌شود از قبیل بیکار ماندن یا از دست دادن شغل قبلی و ... را در نظر بگیرد.

از حیث نظری نیز در مورد مبنای مسئولیت دولت در برابر جبران خسارت بزه‌دیدگان، سه دیدگاه مطرح شده است. بر اساس دیدگاه رفاه اجتماعی<sup>۱</sup>، دولت با تکیه بر دغدغه‌های انسان دوستانه خسارت‌های وارد بر بزه‌دیدگان را جبران می‌کند. بنابراین باید خسارت‌های بزه‌دیده، به ویژه قربانیان جرائم خشونت‌آمیز را که بدون تقصیر متحمل خسارت ناشی از جرم شده‌اند، جبران کند (فرجیها و بازیار، ۱۳۹۰: ۱۳۶). بر اساس دیدگاه قرارداد اجتماعی، افراد جامعه در ازای حفظ آزادی‌های فردی، امنیت اجتماعی و اقتصادی و تحقق عدالت برخی از حقوق خود از جمله حق اعمال عدالت خصوصی را به دولت واگذار می‌کنند. بنابراین دولت در ازای محدود کردن حقوق و آزادی‌های فردی و برخورداری از حق اعمال حاکمیت، متعهد به حمایت و حفاظت از افراد جامعه بوده و قصور در این ایفای تعهد، موجب مسئولیت دولت در قبال بزه‌دیدگان است (همان: ۱۳۷). بر اساس دیدگاه همبستگی اجتماعی و انصاف، اعضای جامعه بر اساس همبستگی اجتماعی نمی‌توانند آسیب‌های ناشی از یک جرم خشونت‌آمیز که به شدت با هنجارهای اجتماعی در تضاد است، تحمل

کنند. این همبستگی سبب می‌شود که جامعه صدمات وارده به اعضای خود را جبران کند. بنابراین عدالت و انصاف اقتضا می‌کند در مواردی که جبران خسارت مزبور توسط بزهکار ممکن نباشد دولت به‌عنوان نماینده جامعه این وظیفه را برعهده گیرد (همان: ۱۳۸).

در لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید، حمایت حقوق بزه‌دیده به رسمیت شناخته نشده بود و در نتیجه سخنی از جبران خسارت به میان نیامده بود. تا اینکه مقنن در اقدامی شایسته در ماده (۵) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مصوب سال ۱۳۹۸/۷/۲۱ مقرر داشت: «در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر شده در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده است و در صورتی که مرتکب با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده متمکن از پرداخت هزینه‌های درمان نباشد، هزینه‌های مربوطه از محل صندوق تأمین زیان‌های بدنی پرداخت می‌شود». در تبصره «۲» ماده (۵) نیز مقرر شده است: «در مواردی که هزینه‌های موضوع این ماده و تبصره «۱» از صندوق تأمین زیان‌های بدنی و سازمان بهزیستی پرداخت شود، صندوق یا سازمان بهزیستی می‌توانند برای دریافت هزینه‌های پرداخت شده به مرتکب رجوع کنند». همان‌طور که مشخص است مقنن برای جبران و حمایت از صدمات مادی و معنوی دو بستر قانونی یعنی «سازمان بهزیستی» و «صندوق تأمین زیان‌های بدنی» در نظر گرفته است.

زیان‌های پیش‌بینی شده در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری عبارتند از: زیان‌های مادی، معنوی و ممکن‌الحصول. در تعریف زیان مادی گفته شده است: زیان‌هایی است که به سرمایه مادی بزه‌دیده در اثر ارتکاب جرم به صورت تلف و نقصان مال و تقویم منافع و حقوق وارد می‌شود و قابل تقویم به پول است. چه تلف مال باشد و چه منافع (مالکی زاده، ۱۳۸۷: ۶). در تعریف زیان معنوی گفته شده است: عبارت است از جریحه‌دار کردن و لطمه زدن به برخی از ارزش‌ها که جنبه معنوی دارند (محمودی، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۶). زیان معنوی صدمه به منافع عاطفی و غیرمالی دانسته شده است (شوشی‌نسب، ۱۳۹۰: ۱۰۷). در تعریف دیگر آمده است: زیان وارده بر شهرت، حیثیت و آبرو، اعتقادات مذهبی، زیبایی، احساسات و عواطف و علایق خانوادگی (فهرستی و فصیح‌راوندی، ۱۳۹۰: ۵۲).

قانونگذار در تبصره «۱» ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری زیان‌های معنوی را این‌گونه تعریف کرده است «زیان‌های معنوی عبارتند از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است...». منافع ممکن‌الحصول در فقه و قانون مدنی سابقه‌ای ندارد، اما قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری به دلیل ضرورت‌های اجتماعی آن را پذیرفته‌اند (زراعت، ۱۳۹۰: ۳۹۰). در تعریف منافع ممکن‌الحصول گفته شده است: «منافعی که حصول آن قریب به یقین یا ممکن است، اما در نتیجه ارتکاب جرم از کف مجنی‌علیه خارج می‌شود. مثلاً اگر راننده تاکسی در نتیجه تصادفی مجروح یا مصدوم شود به طوری که برای درمان مصدومیتش لازم شود یک یا دو ماه بستری شود. در این مدت امکان تأمین معاش را ندارند» (گلدوست جویباری، ۱۳۹۷: ۱۹۹). در تبصره «۲» ماده (۱۴) مقرر شده است: «منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص می‌یابد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط با منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت زیان معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود».

از سوی دیگر در جهت تضمین جبران زیان بزه‌دیده باید توجه داشت، در دعاوی کیفری شاکی می‌تواند ضرر و زیان ناشی از جرم که به او وارد آمده است را از دادگاه کیفری رسیدگی‌کننده به جرم مطالبه کند. تأمین خواسته او ممکن است ضرورت داشته باشد تا از اقدام متهم به انتقال اموال خود و تزییع حق زیان‌دیده از جرم جلوگیری به عمل آید (خالقی، ۱۳۹۴ الف: ۲۱۵). در این باره ماده (۱۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند».

در برخی موارد بزه‌دیده اسیدپاشی توانایی جسمی خود را از دست می‌دهد و به بیکاری یا از دست دادن شغل او منجر می‌شود. بنابراین شایسته بود قانونگذار در این ماده به جبران هزینه‌های بیکاری وی اشاره می‌کرد. چنین امری در ماده (۲) لایحه حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی پیش‌بینی شده بود.<sup>۱</sup> در این باره ماده (۲) لایحه حمایت

۱. در سال ۱۳۸۸ هیئت دولت دستورالعمل حمایت از بزه‌دیدگان اجتماعی را برعهده وزارت دادگستری قرار داد. این وزارتخانه نیز لایحه پیشنهادی خود را برای بررسی به هیئت وزیران تقدیم کرد.

از بزه‌دیدگان اجتماعی مقرر می‌داشت: «حمایت‌های مشمول این قانون عبارتند از: ۱. پرداخت هزینه‌های درمان، بیکاری و زیان معنوی و ۲. اعطای وام و پرداخت هزینه‌های مشاوره حقوقی یا روان‌شناسی». در تبصره «۲» ماده (۲) مقرر شده بود: «خسارت بیکاری در صورتی قابل پرداخت است که زیان دیده به علت وقوع جرم موضوع این قانون، بیکار شده باشد و از توانایی مالی لازم جهت اداره زندگی برخوردار نبوده و یا راه دیگری برای کسب درآمد نداشته باشد و مدت از کارافتادگی بیش از یک ماه باشد. میزان این نوع زیان شامل حداقل هزینه زندگی متعارف برای زیان دیده و افراد تحت تکفل اوست».

نکته دیگری که بهتر بود در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی به آن اشاره می‌شد؛ نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم و تعیین شرایطی برای برخورداری بزه‌دیده از جبران زیان است. امروزه با توجه به آموزه‌های جرم‌شناسی، نقش بزه‌دیده در تحقق ارتکاب جرم امری غیرقابل انکار است. زیرا در برخی موارد، بزه‌دیدگان به نوعی در بزه‌دیدگی خویش مقصرند و چنین بزه‌دیدگانی را باید شایسته سرزنش دانست. توجه به این امر در جرائم اسیدپاشی بسیار ضروری است، زیرا در این جرم رسانه‌های جمعی با حساس کردن افکار عمومی، موجی از احساسات عمومی را در جهت حمایت از حقوق بزه‌دیدگان به نحوی پدید می‌آورند که نقش و تقصیر آنان در تحقق جرم فراموش می‌شود. برای رفع این کاستی نیاز است از آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی قانونی (قضایی) یاری جست.

«بزه‌دیده‌شناسی قضایی، شاخه‌ای از بزه‌دیده‌شناسی کاربردی است که به مطالعه علمی بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگان خاص و معین با هدف کشف حقیقت در فرایند رسیدگی کیفری و عدالت قضایی می‌پردازد» (شیری، ۱۳۹۷ الف: ۲۱۸). «بزه‌دیده‌شناسی قضایی در صدد است تا با بررسی خصوصیات و ویژگی‌های بزه‌دیده، الگوی بزه‌دیدگی و تکرار این الگوها به نیمرخ جنایی بزه‌کار دست یافته و از این طریق به کمک تحقیقات جنایی پلیس و کارآگاهان بشتابد» (هژیرالساداتی و سلیمانی کورانی، ۱۳۹۵: ۸۴). در این راستا بزه‌دیده‌شناسان قضایی تلاش می‌کنند با ارائه معیارهایی، مانع از ارائه اطلاعات غلط و اشتباه به دادگاه و مانع حمایت‌های افراطی شوند که بزه‌دیده شایسته آن نیست و همچنین اصل بی‌طرفی به عنوان یکی از اصول راهبردی دادرسی کیفری تضمین شود.

مقنن با آگاهی از نقش بزه‌دیده در تحقق جرم در بند «پ» ماده (۳۸) قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم» از جهات تخفیف محسوب می‌شود اما متأسفانه مقنن در ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی شرط اعمال آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف را منحصر به اعلام گذشت بزه‌دیده نسبت به مجازات تعزیری مرتکب دانسته است که شایسته به نظر نمی‌رسد. ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر می‌دارد: «در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات قابل اعمال نیست مگر آنکه بزه‌دیده نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد». در این وضعیت شایسته بود بزه‌کاران را در مواردی که بزه‌دیدگان اسیدپاشی به نحوی در تحقق جرم مقصر هستند، شایسته تخفیف مجازات دانست.

نکته دیگر زمان جبران زیان است که پس از صدور حکم قطعی محکومیت بزه‌کار در دادگاه صالح است. جبران زیان پس از صدور حکم محکومیت قطعی، بزه‌دیده را مجبور می‌کند تا تمام هزینه‌های متحمل شده ناشی از جرم را تا قبل از صدور حکم قطعی محکومیت بزه‌کار، شخصاً پرداخت کند. این امر چندان قابل قبول نیست، زیرا اغلب بزه‌دیدگان از تمکن مالی برای پرداخت هزینه‌های مراقبت و درمان برخوردار نیستند. همچنین ممکن است در برخی از درمان‌ها از قبیل عمل‌های جراحی، لازم باشد در مدت زمان کوتاهی انجام گیرند و این امر مستلزم تمکن مالی بزه‌دیده در همان روزهای اولیه پس از وقوع حادثه است. برای رفع این کاستی عده‌ای دو راهکار ارائه داده‌اند:

**رویکرد اول:** تسریع در رسیدگی قضایی و اجرای فوری حکم،

**رویکرد دوم:** مسئولیت‌پذیری دولت در عرصه جبران خسارت است به این نحو که دولت هزینه‌های درمان بزه‌دیده را پرداخت کند، سپس بعد از قطعی شدن صدور حکم مبلغ پرداخت شده را به جانشینی از بزه‌دیده از بزه‌کار دریافت کند (محمودی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

با توجه به دلایل گفته شده پیرامون مسئولیت دولت در قبال جبران زیان‌گزینش



رویکرد اول مقرون به صواب است، اما انتخاب رویکرد دوم از آن جهت که فوریت در رسیدگی ممکن است به کاهش دقت در رسیدگی منجر شود یا لطمه‌ای به حقوق متهم در فرایند دادرسی وارد کند، چندان شایسته به نظر نمی‌رسد.

## ۱-۲. حمایت در برابر آثار روانی و اجتماعی

آسیب‌های روانی از لحظه ارتکاب اسیدپاشی با ترس بزه‌دیده آغاز و با از دست دادن زیبایی ظاهر وی و ناتوانایی که پس از اسیدپاشی سراغ او می‌آید، افزایش می‌یابد (Khorshid, 2009: 2). گاهی آنها دچار افسردگی عمیق، نگرانی، تنهایی و... می‌شوند (Thin, 2012: 1). در جهت رفع آثار روانی در تبصره «۱» ماده (۴) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر شده است: «سازمان بهزیستی کشور مکلف است با تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده به بزه‌دیدگان موضوع این قانون خدمات روان‌شناختی، مددکاری و توانبخشی ارائه کند». به موجب ماده (۲) آیین‌نامه تأسیس مراکز جامع توانبخشی، پزشکی این خدمات شامل ۶ حوزه اختلالات جسمی - حرکتی و درد، اختلالات رشدی (تکاملی)، اختلالات اعصاب و روان، اختلالات شناختی، اختلالات بینایی و اختلالات شنوایی، گفتاری و زبان می‌شوند. تغییر در چهره بزه‌دیده روابط اجتماعی او را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب می‌شود اعتماد به نفس او برای حضور در جامعه به نحو چشمگیری کاهش یابد و خود را فردی بی‌ارزش و طرد شده از جامعه تلقی کند و دائم از اجتماع گریزان باشد؛ تا جایی که ممکن است خود را از دید دوستان و آشنایان پنهان کند. از این رو خدمات مددکاری موجب بازسازی شخصیت وی می‌شود. مددکاران با آگاه کردن وی از واقعیت‌های زندگی موجب تغییر و تعدیل در تفکر او می‌شوند و با ایجاد روحیه، صبر، توکل و امید به آینده‌ای روشن و تقویت اعتماد به نفس وی شرایط حضور مجدد وی در جامعه را فراهم می‌کنند.

## ۲. حمایت از حقوق بزه‌دیدگان اسیدپاشی مرتبط با کرامت انسانی در فرایند کیفری

کرامت در لغت به معنای بزرگی ورزیدن، جوانمرد بودن، بزرگی و ارجمندی و بخشندگی است (عمید، ۱۳۸۴: ۱۶۲۶). منظور از رفتار کرامت‌مدار «رفتار توأم با احترام، گرامی داشتن و

متناسب با موقعیت انسانی اشخاص و رعایت شأن انسانی آنان است» (شیری، ۱۳۸۶: ۱۸). در این باره در حقوق کیفری آمده است: «رعایت کرامت انسانی در قلمرو حقوق کیفری مهمترین معیار و ملاک مشروعیت قواعد حقوقی کیفری محسوب می شود» (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۶۸). بزه دیده علاوه بر تحمل زیان و درد و رنج های ناشی از بزه دیدگی، کرامت و ارزش انسانی خود را از دست رفته می بیند و به دنبال بازسازی این وضعیت آشفته برمی آید (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰: ۴). این احساس در صورت رفع نشدن از سوی دستگاه های پاسخگو، آثار مخربی را بر شخصیت بزه دیده وارد می کند. برای مثال برخورد نامناسب مسئولان رسیدگی به خواسته های آنان، رفتارهای غیرمحترمانه و بی توجهی به وضعیت و شرایط خاص فرد، رفتار نامتناسب با بزه دیده در مرحله معاینه پزشکی و ... نمونه هایی هستند که کرامت انسانی بزه دیده را خدشه دار می کنند.

حفظ کرامت و شأن انسانی بزه دیده ایجاب می کند حقوق او در فرایند کیفری مورد توجه قرار گیرد. پژوهش ها نیز نشان می دهد رفتار محترمانه با بزه دیدگان در اکثر موارد، موجب تمایل هرچه بیشتر آنان به منظور کمک در فرایند تحقیق و رسیدگی شده است (اداره مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۴: ۷۵). در این قسمت به طور اختصار مهمترین جلوه های حقوق بزه دیدگان اسیدپاشی مرتبط با کرامت انسانی آنان در فرایند کیفری مورد تحلیل قرار گرفته است.

## ۲-۱. به رسمیت شناختن بزه دیده

تحت تأثیر تحولات بزه دیده شناسی حمایتی، بزه دیده دارای نقش و جایگاه مهمی در پی ریزی، شکل گیری و جهت دهی تحقیقات جنایی است. مشارکت بزه دیده در فرایند کیفری، شناسایی نیازها و آسیب های وارده بر وی و جبران آن زیان ها از موضوعات مهم در فرایند کیفری است. اولین مواجهه بزه دیده با پلیس است. نقش پلیس در به رسمیت شناختن بزه دیده مهم است. رویکردهای پلیس متناسب با نوع جرم (سرقت، تجاوز، قتل، توهین و ضرب و جرح و ...) متفاوت است. در مواردی ممکن است با بزه دیده همدردی یا وی را سرزنش کنند (شیری، ۱۳۹۷: ۱۱۹). درک حالات روحی و عاطفی بزه دیده، پاسخگویی

مناسب به وی، مهم تلقی کردن بزهدیدگی و ابراز همدردی با وی از مهمترین مسائلی است که ضابطان در مواجهه با بزهدیدگان به ویژه بزهدیدگان اسیدپاشی باید رعایت کنند.<sup>۱</sup> مواد پیش‌بینی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ از قبیل تکلیف ضابطان در پذیرش شکایت‌های کتبی و شفاهی (ماده ۳۷)، تکلیف دادستان به پذیرش شکایت کتبی و شفاهی (ماده ۶۹)، معرفی شهود و اظهار ادله توسط شاکی در هنگام تحقیقات (ماده ۱۰۰)، حضور شاکی در تحقیقات (ماده ۱۰۰)، انتشار مطالب و مدارک در مقام احقاق حق خود در مراجع صالح (تبصره «۳» ماده ۱۰۰)، تقاضای انجام کارشناسی (ماده ۱۵۵) و حق اعتراض به قرارهای بازپرس (بند «الف» ماده ۲۷۰) جلوه‌هایی از به رسمیت شناخته شدن حقوق بزهدیده در فرایند عدالت کیفری به شمار می‌روند.

## ۲-۲. اطلاع‌رسانی بزهدیده

اطلاع‌رسانی بزهدیده در فرایند رسیدگی از دو جنبه قابل طرح است: اول، اطلاع از فرایند رسیدگی و دوم، اطلاع از حقوق خود در فرایند رسیدگی.

### ۲-۲-۱. لزوم اطلاع و آگاهی از فرایند رسیدگی به نحو الکترونیکی

اطلاع از فرایند رسیدگی به این معناست که بزهدیدگان از مقام‌های ذی‌ربط انتظار دارند که پیگیر حقوق آنها باشند و همواره پیرامون چگونگی روند پرونده با آنان مرتبط باشند (فتاح، ۱۳۷۱: ۹۸). خشونت ایجاد شده در اثر اسیدپاشی، بزهدیده را همواره در نگرانی و اضطراب از جریان پرونده و تعقیب متهم قرار می‌دهد. اطلاع‌رسانی مقام‌های مربوطه در این مورد که پیشرفت پرونده تا چه مرحله‌ای است و متهم در چه وضعیتی قرار دارد؛ می‌تواند تا حد زیادی از نگرانی‌ها بکاهد. همچنین بزهدیده حق دارد که به صورت کاملاً شفاف و واضح در جریان رسیدگی، شانس موفقیت، نظرهای کارشناسی، دفاعیات متهم، مکان، زمان دادرسی و به ویژه قرارهای موقوفی یا منع تعقیب و ... قرار گیرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰).

۱. در بند «۵» ماده (۵) آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴/۶/۳۱ بر «آموزش مهارت‌های رفتاری از قبیل رعایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی اشخاص» تأکید شده است.

درباره بزه‌دیدگان اسیدپاشی باید در نظر داشت آنها به دلیل مشکلات جسمی و روحی که دچار آن شده‌اند؛ قادر به حضور حسب مورد در دادسرا و دادگاه و همچنین پیگیری کامل و مصرانه پرونده خود نبوده و بیشتر تمرکز خود را بر اقدامات درمانی و مراقبتی معطوف می‌کنند. مقنن در اقدامی شایسته در ماده (۱۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را برای طرح شکایت یا دعوی و همچنین ابلاغ اوراق قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع دانسته است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲-۲. لزوم اطلاع و آگاهی بزه‌دیده از حقوق خود به نحو الکترونیکی

«اطلاع‌رسانی درباره روند تحقیقات جنایی جنبه دیگری از آگاهی‌سازی بزه‌دیدگان است که در صورت درخواست بزه‌دیده باید انجام شود، مگر آنکه روند تحقیقات را با خطر یا مشکلی روبه‌رو کند که در این صورت باید از آن پرهیز کرد» (همان: ۶۰). از این رو مقنن در ماده (۶) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». در ماده (۳۸) این قانون به صراحت مقرر شده است: «ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران زیان و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه کنند». از مهمترین شیوه‌های اطلاع بزه‌دیده از حقوق خود در فرایند دادرسی می‌توان به برخورداری از خدمات حقوقی، حق دسترسی به وکیل و حق دسترسی به پرونده اشاره کرد.

### ۲-۲-۲-۱. لزوم برخورداری از خدمات حقوقی به نحو الکترونیکی

ارائه اطلاعات به بزه‌دیده درباره حقوق خود، نحوه تنظیم شکایت، معرفی مراجع

۱. ماده (۱۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است».

ذی صلاح و نحوه پیگیری پرونده از طریق مشاوره حقوقی از نیازهای مهم بزه‌دیده به شمار می‌روند (شیری، ۱۳۸۶: ۴۶). اما باید در نظر داشت حضور بزه‌دیدگان اسیدپاشی در دادسرا یا دادگاه برای دریافت خدمات مشاوره حقوقی از یک سو، با توجه به شرایط جسمی و روحی که آنان دارند و از سوی دیگر با توجه به اینکه حضور آنان در دادسرا یا دادگاه ممکن است موجب نگاه ترحم‌آمیز دیگران به آنان شده و یا به علت کنجکاوی دائم از آنان سؤال کنند و روح و روان‌شان آزرده خاطر شود، چندان شایسته نیست. از این رو لازم است سازوکاری فراهم شود تا بزه‌دیدگان از خدمات مشاوره‌ای حقوقی الکترونیکی بهره‌مند شوند. گفتنی است تأسیس مرکز پاسخگویی و توانمندسازی خدمات الکترونیک قوه قضائیه که فعالیت اصلی آن ارائه راهنمایی‌های لازم و آگاهی دادن به بزه‌دیدگان در مورد حقوقشان است، تا حدودی خلأ مذکور را برطرف کرده است، اما شایسته است سازوکاری فعال‌تر و با امکانات بیشتری در نظر گرفته شود.

#### ۲-۲-۲-۲. لزوم برخورداری از وکیل تسخیری

ورود به مسیر تعقیب و رسیدگی کیفری، نیازمند دانش و تخصص کافی است تا بزه‌دیده بتواند احقاق حق کند. از این رو نیازهای آن دسته از بزه‌دیدگانی که در مرحله اقامه دعوی نیازمند راهنمایی و مساعدت هستند، باید از طریق وکیل که توسط دولت تأمین می‌شوند، برآورده شود (آشوری و خدادادی، ۱۳۹۰: ۱۷). در برخی موارد ممکن است بزه‌دیده از نظر مالی توانایی‌های لازم را برای پرداخت حق الوکاله نداشته باشد. این امر به ویژه در بزه‌دیدگان اسیدپاشی که تمامی سرمایه‌های آنان صرف هزینه‌های درمان می‌شود بسیار شایع است. گاهی ممکن است بزه‌دیده شرایط روحی مناسب برای رویارویی با بزهکار را نداشته باشد. این امر در بزه‌دیدگان اسیدپاشی بسیار شایع است؛ زیرا با رویارویی بزهکار خاطرات تلخ روز حادثه در ذهن آن تداعی شده و آزرده خاطر می‌شوند و رعب و وحشت وجود آنان را فرامی‌گیرد. بنابراین شایسته است همان‌طور که بزهکار حق دارد وکیل تسخیری داشته باشد، بزه‌دیده نیز وکیل تسخیری داشته باشد تا با وجود آسیب‌های ناشی از جرم، مجبور نباشد شخصاً به دفاع از خویش بپردازد یا با هزینه‌های شخصی اقدام به اخذ وکیل کند (قوام، ۱۳۸۹: ۶۸). به این امر در اصل (۳۵) قانون اساسی تأکید شده است.

گفتنی است مقنن در اقدامی شایسته در تبصره ماده (۳۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد این ماده اقدام می‌کند». تشخیص دادگاه جهت تعیین وکیل برای بزه‌دیدگان اسیدپاشی به یک الزام و فارغ از تمکن یا عدم تمکن مالی بزه‌دیده تبدیل شود و تعیین وکیل تسخیری برای این دسته از بزه‌دیدگان از همان آغاز فرایند دادرسی کیفری الزامی شود.

### ۳-۲-۲-۲. حق دسترسی به پرونده تحقیقات

پیشتر با توجه به حساسیت پرونده‌های اسیدپاشی و موجی که رسانه‌ها در افکار عمومی ایجاد می‌کردند موجب می‌شد تا مقامات قضایی در دادسرا به بهانه محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی بزه‌دیده را از آگاهی روند تحقیقات محروم کنند. این امر علاوه بر تأثیرات منفی بر روی روح و روان بزه‌دیده، باعث می‌شد احساس کنند که در فرایند کیفری نقشی ندارند. از طرف دیگر محروم کردن بزه‌دیده از دسترسی به پرونده، نوعی رفتار اهانت‌آمیز تلقی شده و به کرامت وی در فرایند کیفری لطمه می‌زند. مقنن در اقدامی شایسته، با وجود محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، حق دسترسی شاکی به پرونده و مطالعه آن را به رسمیت شناخت. ماده (۱۰۰) قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه مقرر می‌دارد: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است». حق دسترسی به پرونده موجب دلگرمی و آسودگی خاطر بزه‌دیده در روند تحقیقات می‌شود.

با توجه به دلایلی که قبلاً اشاره شد شایسته است مقنن تا جایی که ممکن است با استفاده از تدابیر و سازوکارهایی از حضور بزه‌دیدگان اسیدپاشی در دادسرا یا دادگاه بکاهد. در این راستا، تعیین وکیل تسخیری برای بزه‌دیده اسیدپاشی در همان مراحل اولیه

تحقیقات موجب می‌شود که وکیل وی به دادسرا مراجعه کرده و از محتوای پرونده رونوشت تهیه کرده و آنان را در اختیار بزه‌دیده قرار دهد. همچنین دسترسی به برخی از اوراق پرونده به نحو الکترونیکی برای بزه‌دیدگان اسیدپاشی که با کشف حقیقت ضرورت ندارند، می‌تواند سازوکار دیگری باشد تا مقنن به واسطه آن مانع از حضور بزه‌دیدگان اسیدپاشی حسب مورد در دادسراها و دادگاه‌ها شود.

### ۲-۳. رعایت حریم خصوصی

حریم خصوصی یکی از بنیادین‌ترین و اساسی‌ترین حقوق بشری است که با شخصیت هر انسانی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد (رحمدل، ۱۳۸۴: ۱۲۲). جان لاک معتقد است «هر انسانی در درون خود یک قلمرو شخصی دارد و هیچ‌کس غیر از خودش، هیچ حقی در ورود به این قلمرو ندارد» (هوسمن، ۱۳۷۵: ۴۳). نوع جرم ارتكابی اسیدپاشی، حساسیت‌های زیادی را در میان اعضای جامعه و کنشگران نظام عدالت کیفری برمی‌انگیزد که موجب کنجکاوی آنها و کنکاش در زندگی خصوصی بزه‌دیدگان اسیدپاشی می‌شود. در امر نقض حریم خصوصی، رسانه‌ها نقش بسزایی را ایفا می‌کنند زیرا با در معرض نمایش گذاشتن زندگی بزه‌دیده، چارچوب‌های مربوط به حق حریم خصوصی وی را نقض می‌کنند.

مقنن در جهت تضمین رعایت حریم خصوصی در ماده (۴۰) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته است: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، به جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است». در ماده (۳۵۳) قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر می‌دارد: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان شاکه، متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراست». با توجه به شرایط خاص بزه‌دیدگان اسیدپاشی و حساس بودن پرونده آنان که باید به دور از فشارهای بیرونی مورد رسیدگی قرار گیرد، شایسته بود مقنن در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی تدابیری را در نظر می‌گرفت تا محدودیت

فعالیت رسانه‌ها منحصر به جریان رسیدگی نباشد، بلکه این محدودیت از لحظه وقوع جرم آغاز شود.

#### ۲-۴. حق بزه‌دیده اسیدپاشی و شاهدان آنان بر امنیت

از مهمترین نیازهای بزه‌دیده حق داشتن امنیت پس از بزه‌دیده شدن است. بزه‌دیدگان نسبت به دیگر اعضای جامعه بیشتر نگران تهدیدها، شرایط و افراد پیرامون خود هستند. بنابراین باید تدابیری برای کاهش نگرانی‌های بزه‌دیدگان و تضمین امنیت آنان اندیشید. امنیت بزه‌دیده می‌تواند به صورت‌های مختلفی مورد تهدید واقع شود. گاهی ممکن است بزه‌دیده از سوی متهم یا افرادی از جانب او تهدید شود. گاهی ممکن است در فرایند دادرسی بزه‌دیده با متهم روبه‌رو شده و درد و آلام‌های ناشی از بزه‌دیدگی تجدید شود (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۱: ۲۳۸). در حقوق ایران با توجه به ضرورت امنیت در برابر تهدید، مقنن سه رویکرد اتخاذ کرده است.

رویکرد اول در قالب جرم‌انگاری تهدید است. مقنن در ماده (۶۶۹) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقرر کرده است «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا افشای سری نسبت به خود یا بستگان او کند، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را کرده یا نکرده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد»<sup>۱</sup>. البته مطابق تبصره ماده (۱۱) قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ مجازات مقرر به نصف تقلیل یافته است. بنابراین با توجه اینکه اسیدپاشی خشن‌ترین نوع از جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص تلقی می‌شود و ممکن است بزه‌دیده آن مادام‌العمر زیبایی خود را از دست بدهد، در این رویکرد شایسته بود مقنن به‌طور جداگانه در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، تهدید به این جرم را پیش‌بینی می‌کرد و مجازات سنگین‌تری برای آن در نظر می‌گرفت و همچنین برخلاف ماده (۱۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

۱. مطابق تبصره ماده (۱۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ مقرر شده است: «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل یابد».



آن را در زمره جرائم غیرقابل گذشت قرار می‌داد و گذشت شاکی را همانند ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی از موجبات تخفیف تا یک درجه در صورت صلاحدید دادگاه در نظر می‌گرفت.

رویکرد دوم، در قالب قرار بازداشت موقت است که مزیت آن جلوگیری از اعمال فشار بزهدکار نسبت به بزهدیده و شهود است (خالقی، ۱۳۹۴ الف: ۲۴۷). مقنن به دلیل اهمیت قرار بازداشت «موارد» و «شرایط» صدور آن را به ترتیب در مواد (۲۳۷ و ۲۳۸) قانون آیین دادرسی کیفری تعیین کرده است تا تنها با اجتماع آنها مقام قضایی بتواند چنین قراری صادر کند. با توجه به اینکه در ماده (۱) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر شده است: «هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود در صورت مطالبه از ناحیه مجنی علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود». در بند «الف» ماده (۲۳۷) قانون یاد شده پیرامون شرایط صدور قرار بازداشت مقرر شده است: «جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است...». در مواردی که قصاص عضو یا منفعت ناشی از بزهد اسیدپاشی کمتر از ثلث دیه کامل باشد امکان صدور قرار بازداشت موقت میسر نیست.<sup>۱</sup> در حالی که مقنن در بند «ت» ماده (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری با توجه به نوع جرم، جرائمی مانند ایجاد مزاحمت و آزار اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام می‌شود را از موارد صدور قرار بازداشت در نظر گرفته است که نسبت به بزهد اسیدپاشی خفیف‌تر هستند. از این رو شایسته بود مقنن فارغ از مجازات بزهد اسیدپاشی، با توجه به نوع بزهد اسیدپاشی، در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی صدور قرار بازداشت را الزامی می‌دانست.

۱. در تفسیر این بند آمده است: «... قسمت دوم بند «الف» ماده (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری ناظر بر موارد قصاص عضو است، اما با این شرط که عضو موضوع جنایت، دیه‌ای معادل یک‌سوم دیه کامل مجنی علیه یا بیشتر داشته باشد، اعم از اینکه شاکی مطالبه قصاص کرده باشد یا خیر و اعم از اینکه قصاص ممکن باشد یا خیر». برای مطالعه بیشتر رک: علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ص ۲۳۵، ۱۳۹۴.

رویگرد سوم، در قالب جلوگیری از افشا هویت بزه‌دیده است. در قانون آیین دادرسی کیفری، تمهیداتی برای حفاظت از امنیت بزه‌دیدگان و شاهدان اندیشیده شده است. ماده (۹۷) این قانون مقرر می‌دارد: «بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند». ماده (۱۰۱) این قانون مقرر می‌دارد: «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود». ماده (۱۹۲) این قانون در جهت عدم مواجهه بزه‌کار و بزه‌دیده مقرر می‌دارد: «تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است مگر...». درباره حمایت از امنیت شاهدان ماده (۲۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «بازپرس از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند...». ماده (۲۱۴) قانون آیین دادرسی مقرر می‌دارد: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند...» و در تبصره «۱» آن ماده ذکر شده است: «در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد مبنی بر احتمال شناسایی و بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند...».

## ۲-۵. رسیدگی در مدت زمان معقول

یکی از اصول دادرسی منصفانه، رسیدگی به دعوای بزه‌دیده در زمان متناسب و معقول است. مراجعه بزه‌دیده به نظام عدالت کشور، برای حل مشکلات ناشی از وقوع جرم جهت

ترمیم آسیب‌های وارده باید در مدت زمان معقولی رسیدگی و خاتمه یابد. در این راستا برخی معتقدند «باید از اطاله دادرسی اجتناب شود. چنین امری در افزایش صدمات مادی و معنوی بزه‌دیده و حتی تحریک وی در جهت انتقام خصوصی مؤثر است. اصولاً به هر میزانی که در احقاق حقوق بزه‌دیده تسریع شود از مقدار تحقیر و تنزل اجتماعی او کاسته می‌شود» (توجهی، ۱۳۸۳: ۶۲۷). از این رو شایسته است دستگاه عدالت کیفری برای برقراری نظم عمومی لطمه دیده شده و جبران زیان بزه‌دیده، بدون وقفه فرایند رسیدگی را انجام دهد.

همان‌طور که قبلاً بیان شد بزه‌دیدگان ناشی از اسیدپاشی از جهت درمان و اقدامات مراقبتی، نیازمند منابع مالی هستند و هرگونه تأخیر، غفلت و اهمال در تأمین این منابع؛ صدمات جبران‌ناپذیری را برای آنان ایجاد خواهد کرد. از این رو در ماده (۶) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر شده است: «به دعای و شکایات مربوط به جرائم این قانون خارج از نوبت رسیدگی می‌شود». در ماده (۴۴۹) قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر شده است: «به جرائمی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود، با درخواست و موافقت دادگاه تجدیدنظر استان، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود». ماده (۳) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کنند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند».

## ۶-۲. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فراهم کردن حمایت حقوقی برای بزه‌دیدگان

سازمان‌های مردم‌نهاد در همه زمینه‌های اجتماعی، نقش فعال و تأثیرگذار ایفا می‌کنند. به‌طور مشخص در زمینه جبران زیان و کمک به روند درمان، مراکز غیردولتی خیریه از طریق جمع‌آوری کمک‌های مردمی، منابع مالی را در اختیار بزه‌دیدگان قرار می‌دهند (محمودی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). مداخله این‌گونه سازمان‌ها یکی از جلوه‌های «سیاست جنایی مشارکتی» است که براساس آن امکان مداخله مردم در اجرای عدالت کیفری فراهم می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۱۱۸). مقنن در

اقدامی شایسته در ماده (۶۶) اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ در راستای حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن نهادهای مدنی در فرایند کیفری، برای اعلام جرم، توجه خاصی بر برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد کرده است (خالقی، ۱۳۹۴ الف: ۵۹).

ماده (۶۶) قانون یاد شده در این زمینه مقرر می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند». حوزه‌های فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد به شرح مذکور در ماده (۶۶) حصری است (همان، ۱۳۹۴ ب: ۸۶). بنابراین در مواردی که بزه‌دیده اسیدپاشی زن است، سازمان مردم‌نهاد حق اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی را دارد، اما در مواردی که بزه‌دیده مرد است چنین حقی برای سازمان‌های یاد شده پیش‌بینی نشده است. از این رو شایسته بود در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی به نقش سازمان مردم‌نهاد در فراهم کردن حمایت‌های حقوقی برای بزه‌دیدگان اسیدپاشی اشاره می‌شد و با توجه به هزینه‌های سنگینی که به بزه‌دیده اسیدپاشی تحمیل می‌شود و تا زمان صدور حکم قطعی دادگاه جبران زبانی از سوی بزه‌کار انجام نمی‌گیرد، در زمینه جرائم اسیدپاشی حوزه فعالیت‌های آنان منحصر به اعلام جرم و شرکت در تمامی مراحل رسیدگی نبوده، بلکه بتوانند از طریق جمع‌آوری کمک‌های مردمی در زمینه جبران زیان و کمک به روند درمان بزه‌دیدگان اسیدپاشی منابع مالی را در اختیار آنان قرار دهند.

### ۳. حمایت از حقوق بزه‌دیده اسیدپاشی مرتبط با کیفر و نحوه اجرای آن

یکی دیگر از تحولات قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، پذیرش حق بزه‌دیده در کیفر و نحوه اجرا به شکل نسبی آن است. هرچند امروزه بر نیازهای بزه‌دیدگان مانند جبران زیان، به رسمیت شناختن وی، اطلاع‌رسانی، رعایت حریم خصوصی، حفظ امنیت و... تأکید می‌شود، اما کماکان نیاز اصلی آنان کیفر بزه‌کار و حتی اعطای اختیار درباره نحوه اجرای مجازات است. در ماده واحد لایحه قانونی مربوط به پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۱۶

مقرر شده بود: «هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی‌علیه شود به حبس ابد با اعمال شاقه و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کار افتادن عضوی از اعضا بشود به حبس مجرد از دو سال تا ۱۰ سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد». اما مقنن در اقدامی شایسته حق بزه‌دیده در کیفر بزهکار را با پیش‌بینی مجازات قصاص نفس، عضو یا منفعت در صورت مطالبه وی یا ولی دم وی در ماده (۱) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی به رسمیت شناخت. ماده (۱) قانون یاد شده مقرر می‌دارد: «هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر، با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود در صورت مطالبه از ناحیه مجنی‌علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم می‌شود». از طرف دیگر ماده یاد شده این امکان را برای بزهکار فراهم می‌کند تا با اقداماتی در جهت کاهش دردها و آلام بزه‌دیده یا ولی دم آن موجبات گذشت خود را از سوی بزه‌دیده یا ولی دم وی فراهم کند تا خود را حسب مورد از مجازات قصاص نفس، عضو یا منفعت رهایی دهد.

در گذشته تخفیف مجازات بیشتر بزهکار محور بود و صرفاً با توجه به شخصیت و موقعیت مرتکب اعمال می‌شد، اما با ارتقای جایگاه بزه‌دیده در فرایند عدالت کیفری، گذشت وی به یکی از جهات تخفیف تبدیل شده است. در این راستا مقنن در جهت تأمین حق بزه‌دیده در کیفر مجازات تعزیری بزهکار نیز در ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مقرر داشته است: «در مورد جرائم موضوع این قانون و شروع به آن، مقررات مربوط به آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات قابل اعمال نیست مگر آنکه بزه‌دیده یا اولیای وی نسبت به مجازات تعزیری مرتکب اعلام گذشت کرده باشند که در این صورت دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را یک درجه تخفیف دهد». در ماده یاد شده اعمال نهادهای ارفاقی همچون آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف احصا شده هستند. به نظر می‌رسد امکان بهره‌مندی مرتکب از سایر نهادهای ارفاقی همچون نظام نیمه‌آزادی در صورت تحقق شرایط مقرر در ماده (۵۷) ق.م.ا و تبصره آن و نظارت الکترونیکی در صورت تحقق شرایط

مقرر در ماده (۶۲) ق.م.ا و تبصره «۲» آن برای مرتکب فراهم باشد.<sup>۱</sup> با لحاظ ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و ماده (۵۷) ق.م.ا و تبصره آن این امکان برای بزهکار فراهم شده است تا یکبار دیگر با اقداماتی در جهت کاهش دردها و آلام بزه‌دیده یا ولی دم وی موجبات گذشت خود را از سوی بزه‌دیده یا ولی دم فراهم کند تا مجازات تعزیری خود را تا یک درجه در صورت صلاحدید دادگاه کاهش دهد و از مزایای نظام نیمه‌آزادی یا نظارت الکترونیکی بهره‌مند شود.<sup>۲</sup> همچنین مطابق تبصره ماده (۳۷) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری دادگاه مکلف است در صورت صدور حکم به حبس کمتر از نودویک روز مجازات مرتکب را به مجازات جایگزین مربوطه تبدیل کند.<sup>۳</sup>

گفتنی است تبصره ماده (۲) قانون مجازات کاهش حبس تعزیری دادگاه را ملزم کرده است چنانچه در نظر دارد برای مرتکب به بیش از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون حکم کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهت قانونی، علت صدور حکم را به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. همان‌طور که از عنوان، فلسفه وضع و روح قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن برمی‌آید، شایسته است ارتکاب جرم اسیدپاشی به‌عنوان یکی از جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات حبس مقرر شده در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی پیش‌بینی شود.

۱. در اقدامی شایسته مقنن در تبصره «۲» ماده (۹) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با رعایت شرایطی امکان نظارت الکترونیکی در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار را فراهم کرده و مقرر داشته است: «مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است».

۲. در اقدامی شایسته مقنن در تبصره ماده (۸) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با رعایت شرایطی امکان اعمال نظام نیمه‌آزادی در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار را فراهم کرده و مقرر داشته است: «مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، سه و چهار در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال است».

۳. تبصره ماده (۳۷) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مقرر می‌دارد: «چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نودویک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود». ماده (۳) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی یکی از مصادیق سایر مقرراتی محسوب می‌شود که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد.

#### ۴. جمع بندی و نتیجه گیری

اسیدپاشی یکی از انواع خشونت بوده که آثار مادی و معنوی جبران ناپذیری بر جای می‌گذارد و در مواردی ممکن است به مرگ بزهدیده منجر شود که این امر افزایش حمایت از بزهدیده اسیدپاشی را می‌طلبد. قانونگذار ایران به این امر مهم توجه کرده و با تصویب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزهدیدگان ناشی از آن» گام مؤثری در راستای حمایت از بزهدیدگان برداشت. اما به نظر می‌رسد حمایت‌های پیش‌بینی شده در قانون یاد شده، آنچنان درخور و شایسته نیازهای بزهدیده اسیدپاشی نیست. این امر قانونگذار را در مسیر دستیابی به یکی از اهدافش از وضع قانون مذکور، یعنی حمایت ویژه و خاص از بزهدیدگان اسیدپاشی، ناکام می‌کند. برآمد حاصل از بررسی مقررات حاکم بر بزهدیده به ویژه بزهدیدگان اسیدپاشی به شرح ذیل است:

- باآنکه در قانون آیین دادرسی کیفری نیز حقوقی از قبیل به رسمیت شناختن بزهدیده، اطلاع‌رسانی بزهدیده، حق دسترسی به پرونده و جبران زیان‌های مادی، معنوی برای بزهدیدگان در نظر گرفته شده که نسبت به بزهدیدگان اسیدپاشی قابل تسری است، اما تسری آن حقوق برای بزهدیدگان اسیدپاشی به سازوکارهای دیگری نیز نیاز دارد. برای نمونه حق دسترسی آنان به پرونده، حق اطلاع و آگاهی آنان از فرایند دادرسی و همچنین حق اطلاع و آگاهی از حقوق خود در فرایند دادرسی مستلزم آن است که آنان حسب مورد در دادسرا و دادگاه حضور یابند که این امر به دلیل مشکلات جسمی و روحی که دچار آن شده‌اند، چندان مناسب نباشد. در این صورت لازم است خدمات مشاوره‌ای به صورت الکترونیکی و الزام‌آور برای آنان فراهم شود.

- زمان جبران زیان که پس از صدور حکم قطعی محکومیت بزهدکار در دادگاه صالح است، بزهدیده را مجبور می‌کند تا تمام هزینه‌های متحمل شده ناشی از جرم را تا قبل از صدور حکم قطعی محکومیت بزهدکار، شخصاً پرداخت کند. در این موقع مسئولیت‌پذیری دولت از یک سو و توجه به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد از سوی دیگر برای حمایت از حقوق بزهدیدگان اسیدپاشی و گسترش زمینه فعالیت آنان در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی

امری بسیار ضروری است تا این سازمان‌ها بتوانند بزه‌دیدگانی که متحمل هزینه‌های گزافی می‌شوند را از طریق جمع‌آوری کمک‌های مردمی، در زمینه جبران زیان و کمک به روند درمان آنان یاری دهند.

- در برخی موارد ممکن است بزه‌دیدگان اسیدپاشی تمام سرمایه‌های خود را صرف هزینه‌های مراقبت و درمان کنند، در این صورت توانایی مالی لازم برای اخذ وکیل ندارند. همچنین در مواردی ممکن است بزه‌دیده از شرایط روحی مناسبی برای رویارویی با بزهکار برخوردار نباشد که در این صورت وکیل او به جای وی در جلسات دادگاه حضور می‌یابد. بنابراین پیش‌بینی لزوم برخورداری آنان از وکیل تسخیری لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

- نوع جرم ارتكابی اسیدپاشی حساسیت‌های زیادی را در میان اعضای جامعه و کنشگران نظام عدالت کیفری برمی‌انگیزد که موجب کنجکاوی آنها و کنکاش در زندگی خصوصی بزه‌دیدگان اسیدپاشی می‌شود. در این امر رسانه‌ها نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. از این‌رو شایسته است در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی تدابیری جهت حفظ حریم خصوصی آنان به ویژه در مقابل رسانه‌ها در نظر گرفته شود.

- بزه‌دیدگان اسیدپاشی نسبت به دیگر اعضای جامعه بیشتر نگران تهدیدها، شرایط و افراد پیرامون خود هستند. بنابراین باید تدابیری برای کاهش نگرانی‌ها و تضمین امنیت آنان اندیشید. در این باره شایسته است عنوان مجرمانه تهدید به اسیدپاشی به‌طور خاص در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی ذکر شده و مجازات شدیدتری برای آن در نظر گرفت و آن را در زمره جرائم غیرقابل گذشت قرار داد.

- با توجه به اینکه در ماده (۱) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مجازات قصاص نفس، عضو یا منفعت برای مرتکب تعیین شده است و در بند «الف» ماده (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری یکی از موارد صدور قرار بازداشت در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی میزان دیه آنهاست که باید ثلث دیه کامل یا بیش از آن باشد، در مواردی که قصاص عضو یا منفعت ناشی از بزه اسیدپاشی کمتر از ثلث دیه کامل باشد امکان صدور قرار بازداشت موقت میسر نیست. در حالی که شایسته بود مقنن فارغ از مجازات بزه اسیدپاشی، همانند بند «ت» ماده (۲۳۷) قانون آیین دادرسی کیفری با توجه به نوع جرم ارتكابی در



قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، صدور قرار بازداشت را با لحاظ شرایط ماده (۲۳۸) قانون آیین دادرسی کیفری الزامی می‌داند. این امر در جهت حفظ جان بزه‌دیده و شاهدان آن و همچنین حفظ جان بزه‌کار ضروری به نظر می‌رسد. در نهایت نادیده‌انگاری نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم و عدم تعیین شرایطی برای برخورداری وی از جبران زیان در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی قابل نقد است. آثار زیان‌بار ناشی از بزه اسیدپاشی نباید نظام عدالت کیفری را از مسیر عادلانه و منصفانه خود دور کند، چرا که در برخی موارد بزه‌دیدگی، بزه‌دیدگان به نوعی در بزه‌دیدگی خویش مقصرند و چنین بزه‌دیدگانی را باید شایسته سرزنش دانست. برای تعیین میزان تقصیر بزه‌دیده در تحقق جرم و شرایط برخورداری وی از جبران زیان می‌توان از آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی قانونی (قضایی) یاری جست.



## منابع و مآخذ

۱. اداره مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد (۱۳۸۴). عدالت برای بزه‌دیدگان، ترجمه علی شایان، چاپ اول، تهران، نشر سلسبیل.
۲. آشوری، محمد و ابوالقاسم خدادادی (۱۳۹۰). «حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید ش ۲.
۳. توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۳). اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی/ایران (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، نشر سمت.
۴. حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۸۵). «از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت»، مجله فقه و حقوق، سال ۳، ش ۹.
۵. خالقی، علی (۱۳۹۴ الف). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ ۲۷، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
۶. --- (۱۳۹۴ ب). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ ۴، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۷. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
۸. رحمدل، منصور (۱۳۸۴). «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۷۰، شماره پیاپی ۸۴۵.
۹. رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۸۷). کرامت انسانی در حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۰. زراعت، عباس (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۱. زینالی، امیرحمزه و محمدباقر مقدسی (۱۳۹۱). «حق بزه‌دیده بر امنیت و اطلاع‌رسانی در فرایند کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۵، ش ۱۴۸.
۱۲. شوشی‌نسب، نفیسه (۱۳۹۰). «نحوه ارزیابی خسارات درد و رنج»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۳، ش ۳۳.
۱۳. شیرینی، عباس (۱۳۹۷ الف). «بزه‌دیده‌شناسی قضایی (قانونی)»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۱، ش ۸۴.
۱۴. --- (۱۳۹۷ ب). «نقش و جایگاه بزه‌دیده در حقوق جنایی ایران»، پژوهش حقوق کیفری، سال ۶، ش ۲۳.
۱۵. --- (۱۳۸۶). «رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیدگان (دادخواهی)»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۲، ش ۴.
۱۶. طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.

۱۷. عمید، حسن (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی عمید، دو جلدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۸. فتاح، عزت (۱۳۷۱). «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده». ترجمه سوسن خطاطان و علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی/دگستری، ش ۳.
۱۹. فرجیها، محمد و ابوالقاسم بازیار (۱۳۹۰). «جبران دولتی جبران خسارت‌های بزه‌دیدگان در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۲، ش ۲.
۲۰. فهرستی، زهرا و منصوره فصیح راوندی (۱۳۹۰). «جبران خسارت معنوی ناشی از خسارت مازاد بر دیه»، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۷، ش ۲۴.
۲۱. قوام، میرعظیم (۱۳۸۹). «حقوق بزه‌دیدگان و خواسته‌های آنان از پلیس»، فصلنامه/انتظام/اجتماعی، سال ۲، ش ۲.
۲۲. گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری، چاپ یازدهم، تهران، نشر جنگل (جاودانه).
۲۳. مالکی‌زاده، سروش (۱۳۸۷). «فرایند جبران خسارت بزه‌دیدگان در نظام عدالت کیفری ایران»، ماهنامه، سال ۱۲، ش ۷۰.
۲۴. محمودی، افسانه (۱۳۹۲). «حمایت از بزه‌دیدگان اسیدپاشی در نظام عدالت کیفری ایران»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱). از حقوق کیفری بزه‌دیده‌مدار تا عدالت ترمیمی، دیباچه در کتاب بزه‌دیده در فرایند کیفری، مهرداد رایجیان اصلی، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم.
۲۶. هژبرالساداتی، هانیه و ساناز سلیمانی کورانی (۱۳۹۵). «بزه‌دیده‌شناسی قانونی کاربردهای آن در تحقیقات جنایی»، فصلنامه کارگاه، ش ۳۴.
۲۷. هوسمن، کارل (۱۳۷۵). «حرمت حریم خصوصی در برابر حق مردم به آگاهی از رویدادها»، ترجمه داوود حیدری، فصلنامه رسانه، سال هفتم، ش ۳.
28. Khorshid, R. N. (2009). <Acid Attacks on Women in Bangladesh>, Department of Liberal Studies, College of liberal Arts and Sciencies, Last visited: 2020/5/25 Available at: <https://soar.wichita.edu/bitstream/handle/10057/509/grasp0662.pdf?sequence=1&isAllowed=y>.
29. Thin Lei Win (2012). <Cambodia acid attack law raises hopes, concerns>, TrustLaw, October, Last visited: 2020/5/25. Available At: [https://cchrcambodia.org/media/files/news/787\\_2101\\_en.pdf](https://cchrcambodia.org/media/files/news/787_2101_en.pdf).